

جزيیات ناگفته در مصاحبه با توسعه ایرانی مطرح شد

تکرار سناریوی جنجالی‌ترین جنایت سال



گروه‌حوادث: پسر جوان در جنایت مستانه در پشت بام خانه شان یکی از دوستان صمیمی اش را با ضربات چاقو به قتل رساند. این جوان ادعای کند داستان زندگی اش مثل وحید مرادی است. عصر ۱۸ تیرماه امسال ماموران کلانتری ۱۳۲ نبرد در جریان پیدا شدن جسد پسر جوانی در جوی آب بلوار شهید محلاتی، خیابان کوثر قرار گرفتند و خیلی زود تیمی از ماموران برای بررسی های پلیسی در محل حاضر شدند. ماموران در بررسی های ابتدایی پی بردند که پسر جوان از ناحیه گردن، شکم و پهلو هدف ضربات مرگبار چاقو قرار گرفته است. همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه باز پرس شعبه ۵ دادسرای امور جنایی و تیم تشخیص هویت در صحنه جرم حاضر شوند.

جسد ناشناس

در حالی که هیچ مدرک شناسایی همراه جسد جوان خونین به دست نیامده بود تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا اینکه پس از ۲ روز زن جوانی با حضور در کلانتری ۱۳۲ نبرد از ناپدید شدن برادر ۲۸ ساله اش خبر داد. کارآگاهان در این مرحله زن جوان را هدف تحقیق قرار دادند و مشخص شد که جسد پیدا شده همان کرامت ۲۸ ساله است که آخرین بار با یکی از دوستانش به نام مهر داد برای درگیری خیابانی در منطقه پیروزی از خانه خارج شده و دیگر باز نگشته است. تیم جنایی در تحقیقات فنی پی بردند که قربانی جنایت روز قبل از پیدا شدن جسدش قرار بوده با یکی از دوستانش به نام بهرام به درگیری خیابانی با یکی از اراذل اوباش منطقه پیروزی برود.

خبر

قضات دیوان حکم بدوی را نپذیرفتند

بازگشت به لبه تیغ از یک قدمی برائت

گروه حوادث: برنج فروش شمالی دوباره به اتهام قتل مرد طلبکار محاکمه می شود. حکم تبرئه مرد برنج فروش که در درگیری با طلبکارانش یکی از آنها را با وانت زیر گرفته و موجب مرگ وی شده بود دیروز در دیوان عالی کشور، شکسته شد تاوی بار دیگر از خود دفاع کند. این مرد پیش تر با حکم قضایی از اتهام قتل عمد تبرئه و به خاطر قتل شبه عمد به پرداخت دیه، زندان و تبعید محکوم شده بود.

روز حادثه

ناصر ۴۰ ساله یکم بهمن ماه سال ۹۵ در خیابان سراج فرهاد ۳۰ ساله را با وانت زیر گرفت و مرگ وی را رقم زد.

در دادگاه

این مرد با شکایت اولیای دم در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران در حالی پای میز محاکمه ایستاد که پدر ومادر مقتول برای وی حکم

مظنون شماره یک

کارآگاهان در این مرحله خیلی زود به سراغ شرور جوان رفتند و وی زمانیکه شنید کرامت به قتل رسیده شو که شد و به ماموران گفت: قرار بود بایهرام و کرامت که از قبل اختلاف داشتیم دعوا کنیم اما آن شب من در خانه یکی از دوستانم میهمان بودم و به محل قرار نرفتم. ماموران در این مرحله با تحقیقات میدانی پی بردند که شرور جوان شب قتل کرامت در خانه یکی از دوستانش میهمان بوده و در ماجرای قتل بیگناه است.

شناسایی قاتل

تجسس های فنی ادامه داشت تا اینکه ماموران پی بردند که بهرام پس از قتل دوستش ناپدید شده و آخرین بار کرامت و بهرام سوار بر خودروی پیکان وانت دیده شده اند. ردیابی ها برای دستگیری بهرام ادامه داشت و مشخص شد که بهرام پس کشته شدن دوست صمیمی اش اقدام به فروش خودرویش کرده و ناپدید شده است. تحقیقات برای دستگیری بهرام کلید زده شد تا اینکه عامل جنایت همراه پدرش پای در اداره پلیس آگاهی تهران گذاشت و خود را تسلیم ماموران کرد.

اعتراف به قتل

بهرام در اعترافات ابتدایی به ماموران گفت: من قصد کشتن کرامت را نداشتم، آنن شب با هم در پشت بام خانه مان مشروبات الکلی خورده بودیم که در حالت عادی نبودیم و بین ما درگیری رخ داد و من با چاقو او را هدف قرار دادم و پس آن جسد را داخل پتو گذاشته و داخل خودرویم قرار دادم و سپس جسد را داخل جوی آب رها کردم.

گفت وگو با جوان رفیق کش

بهرام ۲۵ ساله که ۸ بار به اتهام های مختلف به زندان رفته ادعا می کند که شب درگیری با دوستم مست بودیم و اصرار قرار نبود او را بکشم و پشیمانم.

سابقه داری؟

۸ بار به خاطر شرب وخمر، درگیری

و سرقت دستگیر شدم.

اولین بار کی دستگیر شدی؟

۱۷ ساله بودم که به خاطر درگیری دستگیر شدم و چون موتور طرف دعوا را سرقت کرده بودیم در برابر سابقه سرقت قرار گرفتیم.

آخرین بار کی آزاد شدی؟

۴ ماه پیش آزاد شدم.

الان به چه جرمی دستگیر شدی؟

قتل دوستم.

شب جنایت چه اتفاقی افتاد؟

من و کرامت در پشت بام خانه مان نشسته بودیم و مشروب خور دیم بعد ۲ تن از دوستانمان آمدند و قرار بود به دعوا برویم که دوستانمان رفتند و نیامدند و دعوانیز کinsel شد به همین خاطر من و کرامت در بالای پشت بام نشسته بودیم و مشروب می خوردیم که ناگهان کرامت شروع به بازی کردن باقمه اش کرد که فکر کردم می خواهد مرا بقمه بزند به همین خاطر با چاقو به او حمله کردم و چند ضربه به دوستم زدم.

بعد از قتل چه کردی؟

به طبقه پایین آمدم و منتظر ماندم همه بخواهند، پس از آن به پشت بام رفتم و چاقویم را برداشتم و خون ها را شستم و سپس جسد را به پایین خانه برده و پشت خودروی وانتم گذاشتم.

کسی متوجه ماجرا نشد؟

پدرش دید که دست به قتل زدم.

مانع فرار ت نشد؟

تهدیدش کردم اگر حرفی بزند او را خواهم کشت. پس از آن جسد را به کمی پایین تر از محله مان بردم و داخل جوی آب انداختم.

از همان شب فراری شدی؟

۲ روز در خانه بودم، پس از آن در سطح شهر می چرخیدم تا اینکه تصمیم گرفتم خودم را تسلیم پلیس کنم.

چرا فرار نکردی؟

عذاب وجدان داشتم و بعد از آن نیز پدرم گریه می کرد که خودم را تسلیم

کنم که به همین خاطر با پای خودم به اداره پلیس رفتم.

از قبل با کرامت اختلاف داشتی؟

نه، ۴ سال بود که باهم دوست بودیم و هیچ اختلافی نداشتمیم.

چه طور می شود که یک جوان پایش به اینجا کشیده می شود؟

رفیق بد، محله بد و نادانی خودم باعث شد که به اینجا برسم.

احساس تنهایی می کنی؟

بله، احساس تنهایی و بی کسی می کردم.

عاشق شدی؟

بله، یک سال است که با دختر مورد علاقه ام آشنا شدم و قرار بود با هم ازدواج کنیم که ماجرای قتل پیش آمد و همه چیز خراب شد.

نامزدت می دانست که سابقه داری؟

همه زندگی ام را می دانست اما خانواده اش از سابقه دار بودن من بی خبر بودند.

تا کی می خواستی به این زندگی شرارتی ادامه دهی؟

تغییر کرده بودم، خیلی وقت بود که دیگر شرارت نمی کردم و مشروب نمی خوردم اما دوستانم اصرار می کردند و با هم مشروب می خوردیم، می خواستم مسیر زندگی ام را تغییر دهم که تصمیم به ازدواج گرفته بودم اما نشد.

تحصیلات؟

کلاس ۵ ابتدایی.

چرا ادامه تحصیل ندادی؟

شرایط پیش نیامد و از مدرسه اخراج شدم.

چرا اخراج شدی؟

به خاطر شرارت و درگیری در مدرسه.

اگر به ۱۰ سال قبل برگردیم چه مسیری را انتخاب می کنی؟

درس می خوانم و سرم به زندگی خودم بود و با دوستانم کاری نداشتم

و مسیر زندگی ام را خودم انتخاب می کردم.

خانواده ات نصیحتت نکردند؟

خانواده ام همیشه با من صحبت می کردند که دست از کارهایم بردارم اما من کله ام داغ بود و حرف گوش نمی دادم تا اینکه سرم به سنگ خورد.

شرارت، مستی، آزادی از زندان و قتل دوست تو را یاد سر نوشت چه کسی می اندازد؟

وحید مرادی، داستان زندگی من مثل وحید مرادی است.

چرا از سر نوشت وحید مرادی عبرت نگرفتی؟

دنبال زندگی خودم بودم و کاری به کسی نداشتم.

از خانواده دوستت خبر داری؟

نه. نمی دانم امیدوارم مرا ببخشند چون من واقعا قصد کشتن نداشتم و در آن لحظه نمی دانم چه اتفاقی افتاد.

آخر رفیق بازی به کجا می رسد؟

آخر رفیق بازی و مشروب خوری همین دستبند روی دستان من است.

چه احساس داری؟

هر شب تاصبح به اعدام فکر می کنم و می ترسم و اعصابم به هم می ریزد و تپش قلب می گیر.

شنیدم سابقه بیماری اعصاب و روان داشتی؟

بله، اما یک مدت تحت درمان بودم ولی ادامه نمی دادم و همیشه قرص می خوردم.

حرفی داری به خانواده دوستت بگی؟

به خدا باور کنید من قصد کشتن کرامت را نداشتم، میخوام که مرا ببخشند و پشیمانم.

بنا به این گزارش، متهم برای تحقیقات بیشتر به دستور باز پرس جنایی در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار دارد.

اخبار حوادث

حمام خون

در بیمارستان معروف تهران

دکتر کلیه در بیمارستان بود که توسط مردی ناشناس چاقو چاقو شد. دکتر سیداحمد تارافوق تخصص بیماری های کلیه و رئیس بخش پیوند یکی از بیمارستان های دولتی پایتخت، در کلینک هدف ضربات کارد یک مرد جوان قرار گرفت و به شدت زخمی شد. دکتر تارا که از این سوء قصد خونین جان سالم به در برده است گفت: شامگاه دوشنبه و پس از ویزیت بیماران در بیمارستان، درحالی که در اتاق کارم تنها بودم ناگهان در اتاق به طرز هولناکی باز شد و مرد جوانی که گاز اشک آور در دست داشت به طرفم حمله کرد. او همانطور که گاز اشک آور را به سرو صورت من می پاشید و من هم قادر به هیچ دفاعی نبودم با چاقوی بزرگی که در دست داشت گردن ام را هدف قرار داد. بعد هم درحالی که روی زمین افتاده بودم چند ضربه دیگر به شکم و پهلوهایم زد و همزمان با سر و صدا و فریاد های کمک خواهی ام از آنجا فرار کرد. فوق تخصص بیماری های کلیه اظهار داشت: درحالی که نیمه جان خونین روی زمین افتاده بودم کارکنان بیمارستان که با شنیدن صدای فریادهای کمک خواهی ام به اتاق ام آمده بودند بلافاصله مرا به اتاق عمل انتقال دادند. خوشبختانه با لطف خدا و اقدام به موقع همکارانم خونریزی شدید مهار شد. دکتر تارا افزود: تمامی شواهد نشان می دهد که مهاجم چاقو کش با طرح و نقشه قبلی و برنامه ریزی دقیق وارد بیمارستان شده و در فرصتی مناسب به طرفم حمله کرده است. دکتر تارا با صراحت اعلام کرد که این موضوع ارتباطی به مسایل درمانی و پزشکی نداشته و ماموران پلیس سرگرم تحقیقات تخصصی برای کشف علت و انگیزه این اقدام جنایتکارانه هستند. ضمن اینکه ضارب نیز هنگام فرار دستگیر شده و بازجویی های فنی، تخصصی پلیسی درباره علت و انگیزه اصلی این اقدام جنایتکارانه از سوی کارآگاهان ادامه دارد. وی گفت: خوشبختانه پزشکان معالج اعلام کرده اند خونریزی بند آمده ولی با این وجود مراقبت های لازم همچنان ادامه دارد.

■ ■ ■

انفجار مرگبار

در باشگاه انقلاب تهران

شامگاه سه شنبه گذشته بر اثر انفجاری بزرگ در خیابان سغول، ضلع شمالی باشگاه انقلاب در مرکز تاسیسات آکادمی، چند تن مصدوم و ۳ نفر کشته شدند. براساس این گزارش نظرو اولیه کارشناسان نشان می دهد که نشت گاز، علت وقوع این حادثه بوده است. به گفته برخی افراد حاضر در محل تا این لحظه دو نفر بر اثر وقوع این انفجار جان خود را از دست داده اند. بنا بر اطلاعات اولیه، چند کارگر در حال تعمیر موتور خانه مجموعه بوده اند که این حادثه رخ می دهد. کارگران مذکور در دم جان باخته اند. سخنگوی آتش نشانی درباره جزییات این حادثه اعلام کرد: ساعت ۲۰:۳۷ شامگاه سه شنبه یک مورد حادثه انفجار در آکادمی ملی المپیک در خیابان سغول به سامانه ۱۲۵ آتش نشانی اعلام شد و به دنبال آن ۲ ایستگاه آتش نشانی به محل اعزام شدند. در بخش تاسیسات یکی از ساختمان های این مجتمع که بیش از ۳۰۰ متر وسعت داشت، کارگران مشغول کار روی یکی از چیلر ها بودند که به یگباره مخزن منفجر شد. البته این انفجار منجر به آتش سوزی و تخریب ساختمان نشد اما به دلیل شدت انفجار، شیشه های همان بخش تخریب شد. سه کارگر که بین ۳۰ تا ۶۰ سال سن داشتند، بر اساس تایید اورژانس در همان لحظات اولیه به دلیل شدت انفجار جان خود را از دست دادند.

■ ■ ■

حمله مرگبار ۵ جوان

به مرد روستایی

مردی میانسال در یکی از روستاهای شهرستان قوچان با ۸ ضربه چاقو به قتل رسید. امیرحسین پورا آریا باز پرس ویژه دادسرای عمومی و انقلاب قوچان گفت: این حادثه صبح سه شنبه در روستای یساولی از توابع بخش مرکزی قوچان، روی داد که ۵ نفر به دلیل خصومت شخصی، مرد ۵۵ ساله روستایی را در مقابل خانه اش از پای در آوردند. باز پرس ویژه قتل دادسرای قوچان با اشاره به سرعت عمل پلیس آگاهی و تحقیقات به موقع که منجر به دستگیری متهمان شده است، بررسی در زمینه انگیزه قتل ادامه دارد.



دوباره پرونده اعلام کردند کشته بودن بر خورد خودرو با یک انسان بر همگان روشن است و در این پرونده قتل شبه عمد مصداق ندارد. به این ترتیب حکم قبلی را شکستند و پرونده را برای رسیدگی دوباره به شعبه همعرض ارسال کردند. قرار است مرد برنج فروش این بار در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کند.

حکم تبرئه و تبعید

در پایان جلسه، هیات قضایی ناصر را از اتهام قتل عمدی تبرئه و وی را به جرم قتل شبه عمد به پرداخت دیه، دو سال و شش ماه زندان و دو سال تبعید محکوم کردند.

نقض حکم

اما این حکم در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور تایید نشد. قضات عالی رتبه پس از بررسی



با یک دختر جوان آشنا شدم و با او ازدواج کردم ۵ سالی را در خراسان زندگی کردیم و صاحب یک دختر و پسر شدیم اما چون میترسیدم پلیس ردم را پیدا کند به کنگاور رفتم.